

مجلس در هر موقعی که باشد غیبت یا مسافرت بکنند بر خلاف حکومت ملی اقدام کرده اند (گفته شد مربوط بموضوع نیست مغالطه نکنید)

سلیمان میرزا - اجازه بفرمائید حرفم را بزمن هر چه از این فرمایشات بشود من مطالبم از یادم نمیروم اجازه بفرمائید حرفم را بزمن و اگر مغالطه میکنم بفرمائید مغالطه میکنی بنده هم تصدیق میکنم يك قسمت از این اشخاص در ۲۷ ذیحجه که بنده هم جزء آنها بودم فرار کردند يك قسمت دیگر بعد از رفتن ما به قم حرکت کردند نمیدانم با توافق کردند یا نه يك قسمت دیگر هم بعد از آنکه در قم بودیم گویا در هفتم ماه محرم حرکت کردند تقریباً دولت و کلاه آمدند به قم از ما مهم تر این بود که شنیدیم کالسکه شخص شخص اعلی حضرت همایونی خلدانته ملکه و سلطنته راهم حاضر کردند و اگر غیر از این بوده آقایانیکه در آنجا بودند ما می توانند تکذیب کنند (بنده شنیدم صدق و کذیب را آقایانیکه در طهران بودند بهتر میدانند شنیدم شخص اعلی حضرت امر بجزکت فرمودند و کالسکه سلطنتی را حاضر نمودند نایب الحکومه یعنی نایب السلطنه هم تعیین شد و گفتند وزراء هم حرکت کردند و خواهند آمد و حتی در قم يك تلگرافی آمد که اعلی حضرت همایونی حرکت کردند بنده ایستاده شنیدم لکن بعضی تغییرات سیاسی یا از طرف مأمورین سیاسی یا از طرف اعیان و اشراف پیش آمد که از حرکت فرمودنشان منصرف شدند در این موقع مصادف شد حرکت کردن ما با حرکت کردن يك عده از سفارت خانهای طرف مخالف و يك عده اشخاصی که از طرف مقابل در ایران بودند یعنی بنده وقتی به قم رفتم چند نفر از صاحب منصبان آلمانی هم در آن راه حرکت میکردند بنده آیامی توانستم جلو آنها را بگیرم و بگویم آقایان بنده از ترس روسها فرار کردم شما فرار نکنید تصادف بود شاید هم از روی غیرواقع بود بالاخره آنها هم حرکت کردند و رفتند ما هم حرکت کردیم و رفتیم حالا اگر تصور بفرمائید این مغالطه است بنده عرض میکنم ماها از نقطه نظر خودمان بعضی کارها کردیم حالا اگر بفرمائید در آنجا مصادف شدیم با آنها و رفتیم به قم شاید در این جا بعضی آقایان بفرمایند بعد از آنکه شاه حرکت فرمودند و بعضی از آقایان هم مراجعت کردند و يك عده از کلاه را که ۳ نفر بودند از طهران فرستادند که در کاشان بمانند رسیدند که یکی از آنها عدل الملک و یکی ارباب کیخسرو و یکی میرزا قاسم خان بودند (و آقای ارباب کیخسرو الان در مجلس نیستند و نمیدانم امروز چرا تشریف نیاوردند) بالاخره ایشان آمدند و ما وقتی که باصطلاح در قم مشغول جنگ شدیم روسها پشت سر ما میآمدند و هر وقت ما میرسیدند معامله آذربایجان را با ما می کردند آیا باید من بایستم و دستم را به بندم و بگویم من بیطرف هستم بیایید سرم را ببرید این يك چیزی بود که من نتوانستم بکنم و اگر هم میکردم از روی حماقت بود در آن موقع

باندازد يك ماهه و كسری يك کمیته دفاع ملی درست شده بود که بنده هم در آن هیئت سمت ناظمه داشتم و بر علیه روسها همه قسم اقدامات کردم چنانچه بر علیه هر مملکت اجنبی که بخواهد در این مملکت داخل شود اقدام خواهم کرد و صریح میگویم اگر چه خطر هم برای من داشته باشد این بود که يك مقداری عشاير و يك مقداری از قوای دولتی و يك مقداری از قوای متفرقه بما کمک کردند منکه میخواهم از خود دفاع کنم هیچ فرض نمیکنم که آن سربازی که میخواهد از من دفاع کند آیا اخلاقتش چطور است میخواهم او برود جنگ کند نه اینکه داخل در اخلاق آنها بشوم تقریباً چهل روز یاسی روز خاطر من نیست اقامت کردیم بعد آنها هم جلو آمدند ما هم عقب می رفتیم شاید نصف آقایان یا نثلث آقایانیکه این جا هستند با بنده در این مسئله شریک بودند تمام دفاع از جان و مال خود میکردیم از زرنده گانی خود می کردیم این جا تقریباً گفتگوی حفظ مملکت از بین رفته بود گفتگوی این بود که هر کس خودش را خلاص نماید و حفظ کند در این عقب نشینی و فرار چون آنها قوی بودند و ما ضعیف از ما هر چه بدست می آوردند می گشتند خواه اسمش قوای دولتی بود خواه قوای ملتی بکلی برخلاف همه بودند و مثل سیل جلومی آمدند معلوم است مثل مسئله چنگیز خان سوختند و غارت کردند رفتند و هر کاری خواستند کردند و ما هم هر قدر توانستیم عقب رفتیم تقریباً ۳ ماه بنده از سایرین دور مانده بودم ۳ ماه ما بین بنده و اردوی روسی که مارا تعاقب کرده بودند یازده فرسخ فاصله بود در نزدیکی خرم آباد و بروجرد و راههای جنگل و غیره همه جا عشاير با ما کمک میکردند بالاخره در بیست و نهم حوت رسیدیم به قصر و در آنجا به سایرین ملحق شدیم و از آنجا ترتیباتی برای ما درست شد.

رئیس - جلسه را اگر آقایان موافق باشند بماند برای دو ساعت قبل از غروب چون ایشان خیلی نطق کردند و میگفتند ۴ ساعت باید نطق کنم دو ساعت گذشته است دو ساعت دیگر باقی است آقایان خسته شده اند ایشان هم باید خسته شده باشند آقایان موافق هستید ؟

سردار معظم - بلی چون يك ساعت از ظهر گذشته است بنده هم موافقم خوب است حالا جلسه ختم شود و باز دو ساعت بغروب مانده شروع شود تا هر قدر از شب گذشته و این بلیطها هم برای تماشاچیها اعتبار داشته باشد (مجلس تصدیق کردند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اجازه نطق .
آقا سید یعقوب - عرض بنده این بود که ممکن است حضرت والا نفس تازه کنند باز ۴ ساعت دیگر صحبت کنند .

رئیس - آقای مدرس اجازه نطق .
مدرس - عرضی ندارم و بامیل آقایان موافقم .
رئیس - پس جلسه می ماند برای دو ساعت بغروب (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - **مؤتمن الملک**

جلسه هفت

صورت مشروح مجلس عصر یوم سه
شنبه ۲۷ ذی قعدة ۱۳۳۹
مطابق دهم اسد ۱۳۰۰

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس امروز صبح حاضر نیست با صورت جلسه حالا فردا صبح توأمأ قرائت میشود آقای سلیمان میرزا برای ممتن نطق خودشان حاضر هستند ؟

سلیمان میرزا - بلی . آقایان فراموش نفرموده اند که در این سفر نامه تا تاریخ مهاجرت که بنده اظهار میکردم در وقتیکه مجلس ختم شد به اینجا رسیده بودیم که در ۲۹ حوت به قصر شیرین وارد شدیم از آنجا بترتیب مهاجرت ما یکصورت دیگری پیدا کرد یعنی منتهی شد به تشکیل حکومت موقتی در تحت ریاست آقای نظام السلطنه و بيك عقب نشینی بعد از حمله روسها به بغداد و از آنجا بعد بنده خارج از این مسئله هستم راجع بشخص خودم صحبت میکنم زیرا مبتلا بمرض خیلی سخت شدم و در تشکیلات حکومت موقتی بهیچوجه بنده نبودم و اگر بخواهید تاریخ آنرا مفصل تر بشنوید باید آقای مدرس لطفأ بیان فرمایند زیرا از آنجا بعد اطلاعات ایشان عمیق تر و کامل تر است چون بنده در خارج بودم مثل سایر اشخاص که در خارج هستند همین قدر میتوانم عرض کنم که یکمرتبه دیگر هم قشون یکی از همسایگان بهمدان آمدند و مهاجرین برگشتند به کرمانشاهان باز مجدداً ترتیبات دیگر پیش آمد و بغداد سقوط پیدا کرد این دفعه ترتیبات طوری پیش آمد که دیگر نتوانستند در کرمانشاهان بمانند يك قسمت بطرف موصل رهسپار شدند و از موصل باز دو قسمت شدند يك قسمت هشت نفره که بنده و آقای مساوات و آقای تنکابنی و آقای خلخالی و بعضی دیگر بودند در موصل ماندیم مابقی آقایان تشریف بردند باسلامبول و حلب بکلی از آن تاریخ بنده بی اطلاع هستم باید خود آقایان اگر صحبتی در اینجا هست بفرمایند بنده بعد از آنکه هشت ماه در موصل ماندم بالاخره تلگرافی از طهران رسید که شما با مساوات و ۳ نفر دیگر بوکالت انتخاب شده اید چون حکومت در صدد این است که مجلس شورای ملی را بزودی باز نماید بهتر این است که بغوریت بطهران حرکت کنید بنده هم فوری حرکت کردم و بعد از بنده و اخوی که حرکت کردیم آقای تنکابنی و حاجی محمد تقی شاهرودی و خلخالی هم حرکت کردند آمدیم بداخله مملکت بغیال اینکه میرویم به مملکتی که حتماً میتواند و کلایش را حفظ کند در صورتیکه رفقای بنده میگفتند مجدداً بيك خطری میرویم بنده بایشان یاد آوری میکردم در صورتیکه مملکت مرا دومرتبه احضار میکند يك دقیقه ماندن را در خارج صلاح نمیدانم مخصوصاً در موقع انتخابات مجلس باید سرعت رفت آمدیم و بيك مسئله دیگری پیدا شد در اینجا بنده حق داشتم

زیرا وارد شده بودم بیک مملکت بی طرفی که بی طرفیش را همه تصدیق میکردند اما از اینجاست مطالب ترتیب دیگری پیدا کرده بود یعنی آن حکومت تزاری و ترتیب روسیه از میان رفته بود کم کم بیک انقلاباتی در روسیه پیدا شده بود آن حکومت از میان رفته اما در عوض همسایه دیگر جانشین شده بود تفاوتی نداشت پلیس جنوب شروع شده بود که هنوز هم اثر آن تجاوز حق شکنانه باقی است (گفته شد صحیح است) و بزرگترین تجاوزات بحقوق ملی در مملکت ما تولید شده بود و پلیس جنوب بر خلاف تمام اصول استقلال مملکت تشکیل شده بود و هنوز هم بدبختانه در مملکت باقی است (همه تصدیق کردند) و اثرات او هست بنده بعقیده صاف خودم از طرف نمایندگان و سایر اهالی فریاد میزنم که این حق شکنی است و خلاف قانون است (گفته شد صحیح است) و بهیچوجه ما زیر این بار تعذبات نمیرویم این ظلم های فاحش که بما بیچارهها میشود علتش این است که ما ضعیفیم این مسئله دوم از مسئله اولی تعجبش بیشتر است زیرا در اول هر چه روسها اجحاف بما میکردند میگفتند حکومت تزاری وقتیکه بر خلاف آزادی مملکت خودش باشد البته بدیگرانهم تجاوز میکند و آزادی دیگران را هم ملاحظه نمیکند اما یاللمجب فشار از طرف دولتی باو میآید که هنوز خودش را مشروطه میدانند با وجود اینکه خودش را حامی ملل ضعیفه میدانند بیک چنین دولتی که خودش را حامی عدل و داد می داند هنوز پلیس جنوب بر خلاف تمام اصول آزادی ملل در مملکت ما برقرار است ما مجلس داریم و پلیس جنوب بر خلاف رضایت تمام اهالی و و کلا ما است بیک قسمت از مملکت ما را بدون جهت اشغال کرده عیناً مثل معامله تزاری است هیچ تفاوتی ندارد بلی ما مهاجرت کردیم ولی مهاجرت بیایان آمد و همین طور شرح هجران باقی است حالاهم گفتگوی مهاجرت است حالاهم گفتگوی دیگری هست حالا که مجلس شورایی بعد از ملت هم حقوق خودش را مطالبه میکند اما متأسفانه هنوز پلیس جنوب هست و بیک قسمت جنوبی مملکت که اولین نقطه تاریخی مملکت ما است پایتخت قدیمی ما است فارس عزیز (استخر) که تمام آثار تاریخی ما در آنجا است هنوز در تحت تسلط پلیس جنوب است بنده نمیخواهم بقول بعضی ما لایق قطع بگویم حبس و تبعید و فلان ولو اینکه ایندفعه بیای دارم بروم اینمطلب را صاف میگویم و همه بامن موافقتند که مملکت ما هنوز با این ترتیبات مستقل نیست پلیس جنوب برخلاف بیطرفی ما است و اولین وظیفه ما مثل الغاء قرار داد از هم درین و متفرق کردن پلیس جنوب است حقیقتاً آنروز می فهمیم بیک قدری استقلال داریم که پلیس جنوب ملغی شود اگر تعذبات پلیس جنوب را که خارج از وظیفه است از اهالی سمت جنوب بپرسید آنوقت بیک دفتری که بزرگتر از شاهنامه است بشماها نشان خواهند داد اشخاصی هستند که کاملاً وطن خواه و برای مملکت خودشان جنگها کردند مثل رؤسای دشتی و دشتستان آن بدبختها هنوز بعضی

در تحت فشار و بعضی از بیچارهها کشته شدند و بعضی هم هنوز امنیت ندارند این است اوضاع مملکتتان این است بدبختی و فلاکت ما بلی بنده هم می آمدم که اگر موفق شوم و پیام بکرسی مجلس شورایی برسد بدون ملاحظه فریاد بزنم که این است اوضاع بیک مملکت بیطرف این است رعایت قوانین و استقلال بیک مملکت ضعیفی که ما در آن هستیم این است رفتار دول حامی ملل ضعیفه در صورتیکه در مرکز اروپا میگویند باید صلح بین المللی منعقد شود بهر حال آنوقت هنوز نمیدانستم و حالا تقریباً بیک قدری میدانم میدیدم روسها از طهران رفته اند و بخیال اینکه روسها رفته اند و من انتخاب شده ام میگفتم که دیگر کسی بمن حمله نمیکند بنا بر این باید یکسره بیایم بطهران و همه حرفهایم را در بالای کرسی نطق بزنم و فریاد بزنم که این مملکتی که من هم یکی از افراد آن مملکت هستم تمام حیثیات آن از میان رفته از سمت شمال و جنوب یا مال تعذبات اجانب شده اما این خیال خیال بیخودی بود همین قدر که وارد قصر شیرین شدم اوضاع را که دیدم دانستم این احساسات خبط است بلا فاصله بیک کاغذی بسردهای ایل سنجابی نوشتم که آیا ممکن است مرا در ایل قبول کنند آنها هم با کمال مردانگی قبول کردند آمدیم در ایل پس از آنکه مدتی با آنها بیلاق و قشلاق کردیم که ببینیم اوضاع چطور است و چه میشود در آنوقت بیک شبی باز دیدم رعایت بیطرفی مملکت ایران شد در وقتیکه باران میآمد چهارصد نفر سوار هندی چادری را که بنده در آن بودم و اطراف آن ایل سنجابی بود محاصره کردند با دوات و میل زره پوش و شش میترا الیوز بنده را که یک نفر وکیل مملکت بودم و انتخاب شده بودم و بطرف مرکز می آمدم و در مملکت خودم بودم گرفته و بردند رعایت بیطرفی را کاملاً حامیان ملل ضعیفه مجری داشتند خیلی صحیح تمام حقوق بین المللی را منظور داشتند منتهی بیک فرق داشت نشان دادند که اگر در طهران میماندی و قشون تزاری تو را می گرفتند اعدام میکردند ولی ما که حامی ملل ضعیفه هستیم این فرقه را با آنها داریم که شما را مثل یکی از اسرای جنگی در عده اسرای خود نگاه میداریم هشتماه در بغداد و هفده ماه در بصره و یازده ماه در بعلبک محبوس بودم در این مدت در طهران اهالی بواسطه حسن ظنی که داشتند (باید در اینجا تشکرات خودم را از موکلین خودم و سایر آقایان بکنم) با وجودیکه در حقیقت تحت فشار بودند و باراتوفاها اینجا بودند و یکمده اشخاص دیگری را در طهران و ولایات در تحت تعذبات نظامی حق شکنانه خودشان گذاشته بودند باز تا موقعی بدست می آوردند اعتراض میکردند و متینک میدادند بر علیه توقیف نماینده خودشان اقدامات لازمه مینمودند اما متأسفانه موثر نمیشد بلی انتخابات شد در صورتیکه ما هم اینجا نبودیم و هیچ خودمان نمیتوانستیم بیک رأی هم برای خودمان بنویسیم و بصندوق بیاندازیم بواسطه حسن ظن و شاید بواسطه اینکه نزد خود معاکمه کرده بودند و فهمیده بودند که مهاجرت کاری

بنده میگویم و حاضر هستم هر وقت هر دولتی بدون اطلاع بر خلاف بیطرفی مملکت من وارد شود و اقدامی بکند بر علیه او قیام میکنم و مدافعه میکنم البته آنها هم اهالی ایران بودند و وظائف ملی خود را میدانستند و احساساتی داشتند دفاع کردند البته طرف مقابل از آنها کشت و آنها هم میکشند اما در تمام این جریانات و در تمام این تاریخی که عرض میکنم خدمت آقایان مهاجرین بهیچوجه يك ورقه قرارداد یا هر چیزی بهر اسم و رسم با کسی نداشتند آقایانیکه اینجا حاضرند و جزء مهاجرین هستند اگر اطلاع از يك قرار دادی دارند بفرمایند بنده که اطلاع ندارم آقای مدرس چون بیشتر از بنده اطلاع دارند بفرمایند تا این ساعت مهاجرین يك ورقه با اسم قرارداد با اسم حقوق با اسم عموم - تمام مملکت بهیچوجه نداشتند و داخل مذاکره نشده اند زیرا که خودشان را نه دولت میدانستند و نه حق این داشتند که داخل این ترتیبات بشوند همین قدر میدانستند که از زندگانی و مملکت خودشان دفاع میکنند در اینصورت بنده باز هم بطور خلاصه مطالب را (چون خیلی زیاد گفتم و آقایان هم مخصوصاً آقای سید یعقوب که خیلی وحشت داشتند که اگر تنفس شود باز هم بنده تجدید مطلع کنم) بطور اختصار میگویم مهاجرین در مدتیکه این اقدام را کردند بر علیه حکومت ایران اقدامی نکردند بر علیه متجاوزین بر حکومت ایران اقدام کردند و محققاً هر کس و هر ملتی هر وقت بر علیه بیطرفی و استقلال وطنش دیگری هجوم بکند البته وظیفه آنها خواه مهاجر یا انصار این است که از حقوق خودشان دفاع کنند و مهاجرینهم این اقدام را کرده اند شاید بعقیده قطعی بنده اینهم یکی از وظائف حتمی باشد و بر علیه حکومت ملی اقدام نکرده اند بلکه برای ایران جنگیده اند و از طرف دیگر وقتیکه بر گردیم قرارداد با هم بطور خلاصه عرض میکنم این قرارداد که بسته شده چند اشکال دارد اولاً چندین حقوق از مملکت سلب شده و از آن گذشته با وجودیکه در آنجا ذکر شده بعد از تصویب مجلس شورای ملی باید رسمیت پیدا کند قبل از تصویب مجلس بعمل آمده و از این گذشته در موضوع یرتس هائیکه در خارج مخصوصاً در آمریکا و اروپا شده زمامداران امور بهیچوجه از آنها استفاده نکرده اند و شاید آنها را خاموش کرده اند و شاید استدلال کرده اند این مطلب اینطور نیست و حق با ما است که این قرارداد را بسته ایم (حتی نمیدانم آقای ارباب کیخسرو اجازه میفرمایند اسمشان را عرض کنم) آقای ارباب کیخسرو هم که در آمریکا و اروپا یرتس کرده اند شاید در وقت ملاقاتیکه آقایان با ایشان کرده اند اعتراض نموده اند که شما چرا این گونه اقدامات برای خیر مملکت خودتان نموده اید و این صحبتها را کرده اید و بالاخره با این ترتیبات هم استفاده از موقع نکرده اید و بطور کلی شاید استفاده هم برای خودشان کرده اند تلگرافاتیکه خودشان کرده اند الان موجود است در مجلس قرائت میشود شاید هم در روزنامهها درج شده یا نشده حالا صورت آن استفادهها بچه ترتیب بوده و کیها استفاده کرده اند بنده نمیدانم اگر میدانستم بدون ملاحظه میگفتم اما چون صورت آن استفاده در دست من

نیست و نمیدانم مذمت میگویم که نمیدانم شرح بدهم که چه اشخاص بچه نسبت از این مسئله استفاده کرده اند شاید هم استفاده نکرده اند نمیدانم ولی اینطور گفته میشود که يك تلگرافاتی در دست هست که طبع شده و سوادش اینجا است و ظاهر میدارد که استفاده در این بین بوده و شاید فقط از نقطه نظر عقیده سیاسی این قرارداد بسته نشده پس اگر اظهار دارند که از نقطه نظر سیاسی این قرارداد بسته شده آنوقت باید بطور خلاصه عرضه داشت که از نقطه نظر سیاسی استفاده معنی ندارد و یقیناً اگر انقلابات روسیه پیش نیامده بود شاید قسمت های سری معاهده ظاهر میشد و شاید آنروز نمیرسد و میتوانم بگویم امروز روز سعادت ما است همین قدر یادآوری میکنم در این مسئله برای مملکت مایک مسئله حیات و ممانی است .

رئیس - آقای سردار معظم () اجازه نطق کرده ام ملاحظه بفرمایید .

رئیس - آقای سردار معظم - آقای سردار معظم پیشنهاد تنفس کرده اند .

سردار معظم - بنده و آقای طباطبائی ما این پیشنهاد را کرده ایم .

رئیس - قبل از وقت آقای نصرت الدوله هم (چون آقای سلیمان میرزا در نطق خودشان بعضی اظهارات کرده اند) میخواهند يك توضیحی بدهند اگر آقایان موافق باشند بعد از توضیح ایشان چند دقیقه تنفس داده میشود .

سردار معظم - بنده عرضی دارم .

رئیس - بفرمایید .

سردار معظم - بنده و آقای طباطبائی متفقاً پیشنهاد کرده ایم که چند دقیقه تنفس شود بعد از مذاکرات با ایشان راه حلی در نظر گرفته شده که تصور کردم در موقع تنفس مذاکره شود والا چون نوبت نطق به بنده رسیده ممکن است که بنده بیایم پشت تریبون و از حق خود استفاده کنم باین جهت بنده تصور میکنم بهتر باشد که قبلاً ده دقیقه تنفس داده شود .

نصرت الدوله - بنده هم قبول میکنم .

رئیس - مجلس موافق است (گفتند بلی)

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم عرض کنم که بنده هم اجازه خواستم حق بنده از میان می رود .

رئیس - بجایبالی هم اجازه داده میشود . (در این موقع نمایندگان برای تنفس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید)

رئیس - شاهزاده نصرت الدوله اجازه خواسته بودند راجع بمطابقیکه شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن نطق خودشان ادا کرده اند توضیحاتی بدهند

نصرت الدوله - بنده خیلی بطور اختصار این توضیح را عرض خواهم کرد چون حضرت والا خیلی از نطق مختصر خوششان می آید توضیح بنده راجع بآن مسئله است که فرمودند (گویا استفاده هم در کار بوده) بنده نسبت بخودم جداً و قویاً تکذیب میکنم در آن موقع مسئله استفاده در بین نبوده است و اگر يك سوء تفاهاتی در بعضی مذاکرات شده است بایستی آقایان بدانند که بنده در موقعیکه در رکاب اعلیحضرت اقدس همایونی بسمت نوسکری

ایشان و بسمت مأموریتهای سیاسی از طرف دولت بمسافرت اروپا رفته ام حرف بزمن این بود که داده شده و مباشر مخارجی بودم که مسئول تمام آنها هستم و تا دینار آخر حساب آن پولها را خواهم داد و بعد از آنکه حساب من تفریح شد اگر مدیون باشم و چیزی نزد من مانده باشد البته بدولت تقدیم خواهم کرد و اگر فاضل هم داشت و طلبکار شدم البته دولت تفضلاً بمن خواهد داد آقایان بدانند که من مخصوصاً علاقمندم باینکه نسبت استفاده را بخودم قویاً جداً تکذیب کنم و عرض میکنم بهیچوجه من الرجوع نسبت استفاده را بخودم قبول نمیکم .

رئیس - آقای طباطبائی هم توضیحی داشتند بفرمایید .

طباطبائی - بنده عرضی در مرحله مذاکرات جلسه قبل و همچنین در زمینه مذاکرات امروز شاهزاده نصرت الدوله داشتم و همه را یادداشت کرده بودم که در نوبت خود بمرض آقایان برسانم لیکن بمناسبت پیش آمدیکه بعد بمرض آقایان خواهد رسید عجلتاً بآن شرح و تفصیلی که دارد و تمام مسائل را میبایستی اظهار کرده باشم آنها را عجلتاً مسکوت عنه میگذازم فقط يك نکته از آنها را بطور اختصار ذکر کرده و تفصیلات را برای بعد میگذازم و آن این بود که شاهزاده در ضمن بیانات خودشان راجع به بنده و مناسبات بنده با سید ضیاء اشاره فرمودند لازم است عرض کنم که سابقه بنده را با سید ضیاء همه مردم میدانند و روزنامه های رعد را هم خوانده و دیده اند که همیشه مخالف عقیده بنده بوده و از روز اول که چشم من بسید ضیاء افتاده تا اکنون هیچوقت از او رضایت نداشته ام و هیچوقت هم رابطه با او نداشته ام فقط بعد از مهاجرت گاهی بمنزل من می آمد و یکی دو دفعه هم بنده را دعوت کرد اینهم يك آمد و شد شخصی بود و هیچوقت در هیچ موقع با او يك مذاکرات سیاسی نداشته ام و همه وقت باو میگفتم که من با تو هیچ موافقتی ندارم و همیشه اعمال تو را تقبیح میکنم و مخصوصاً در دوره سپهبد اعظم هیچ ملاقاتی با سید ضیاء نکردم باز سابقاً ملاقاتهایی میشد و گاهی بمنزل بنده می آمد ولی در دوره ریاست وزرائی سپهبد این ملاقاتها هم میانه ما نبود فقط يك روزی وارد خانه سپهبد شدم در صورتیکه او ایستاده بود و با ایشان حرف میزد و میخواستم از در بیرون بروم و هیچ مذاکره هم با او نشد يك شبی هم در منزل سپهبد بود که یکی از آقایان و کلاه با او وارد شدند و الان هم ایشان در مجلس هستند بمحض ورود ایشان بنده آمدم بیرون و این ملاقاتهم در موقع استعفا سپهبد بود که بنده رفتم برای کناره گیریشان تبریک بگویم و مخصوصاً بنده با ایشان گفته بودم که من باشم مادامیکه استعفا ندهید مراوده نخواهم کرد و با ایشان گفته بودم که دوستی های خود را با ایشان بواسطه داخل شدنشان در کار ترک کرده ام و بعد از استعفا باقی خواهد ماند آنروز رفتم که با ایشان بگویم چون استعفا داده اید من آمده ام بشما تبریک بگویم آنروز هم سید ضیاء الدین آنجا آمد ولیکن هیچ داخل مذاکراتی نشد و خیال کرد بنده يك نقطه نظری

دارم که آمده ام سپهبد را به بیتم و راجع به آقایان محبوبین کاشان آمده ام حرف بزمن این بود که بطور تغییر بمن رو کرد و گفت که چه مذاکراتی دارید بنده گفتم مذاکراتی ندارم و بعد برخواستم و بیرون آمدم این بود مناسبات من در دوره سپهبد با سید ضیاء که آقای نصرت الدوله در طی نطق خودشان فرمودند گمان میکنم که همه یا اکثر آقایان و کلاه خوب میدانند صدمات و دشمنی هائیکه در دوره کابینه خودش یعنی در دوره حکومت کثیف خودش با بنده کرد گمان میکنم بیشتر از آن بود که با سایرین کرد و قابل انکار نیست و تصور میکنم که آقای نصرت الدوله برای اینکه در جواب و امانده باشند این فرار را در ردیف فرمایشاتشان گذارند در صورتیکه خودشانهم میدانند بی اساس بوده و اما شرحیکه میخواهم عرض کنم در ترمه مذاکراتیکه میانه بنده و آقای سردار معظم و آقای مدرس و آقای آصف - العمالک و آقای سلیمان میرزا شده قرار شد يك شرحی در این زمینه تهیه و قرائت شود و آن این است که نظر باینکه آقایان تصور فرموده اند تطویل این مذاکرات از طرفین اثرات خوشی نداشته و بالاخره حفظ حیثیات مجلس شاید مناسب نباشد باین بنده پیشنهاد نموده اند تا راه حلی برای این مسئله پیدا شده بنده مخالفت خود را مسکوت عنه بگذارم شاید پس از مذاکرات در خارج راه حلی برای اینکار پیدا شود و بنده چون میخواهم بالاخره دنباله مذاکرات بجائی بکشد که نقطه بحیثیات مجلس وارد بیورد این است که عجلتاً مخالفت خود را در این خصوص مسکوت عنه میگذازم و خلاصه اش این است عجلتاً بنده مخالفت خود را مسترد میدارم تا اینکه در خارج شاید بيك وجه مستحسنی حل بشود اگر حل نشد آنوقت باز در سرعرایش خودم باقی خواهم ماند مجدداً اظهار خواهم داشت .

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردار معظم - نظر باینکه در قرائت این پیشنهاد طرز قرائت آقای طباطبائی طوری بود که ممکن است سوء تفاهاتی تولید کند لذا بنده خواستم عرض کنم مذاکراتیکه در این دو جلسه اخیر از طرفین شد طوری بود که صدمه و لطمه بحیثیت مجلس وارد می آورد و از نقطه نظر اینکه تمام نظرها بایستی متوجه حیثیات مجلس باشد مقتضی ندیدند و خود آقای طباطبائی هم باینده و آقای سلیمان میرزا و آقای آصف العمالک و آقای مدرس تبادل نظر کردند صحت این مطلب را تصدیق فرمودند و بالاخره چون جز پیدا کردن طریق حل موضوع مقصودی ندارند مخالفت خودشان را مسترد داشتند تا اینکه يك طریق حلی پیدا شود اگر بیاید نشود بازرچرهای مسرجای خود و حرفهای ایشانهم در سرچایش خواهد بود و آنوقت حل قضیه را در جلسه آتی به مجلس معول خواهند کرد .

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه نطق)

نصرت الدوله - نسبت بتوضیحی که آقای

سردار معظم دادند بنده حرفی ندارم مگر این است که عرض می کنم ازوجه حلی که آقایان رفقا در نظر گرفته اند هیچ مسبوق نیستم و البته پس از آنکه مذاکره کردند اگر نظریاتی داشته باشم عرض خواهم کرد و البته از حق خود دفاع خواهم کرد (گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - همین طور که آقایان صحبت فرمودند آقای طباطبائی يك مخالفتی اظهار کردند و مطابق نظامنامه داخلی وقتی مخالفت خود را پس بگیرند مطلب مسترد شده است و بنابراین دیگر از برای سایرین که بالتبیم داخل مذاکره شده اند چیزی باقی نماند اما در مسئله که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله توضیح دادند بنده هم مجبور شدم که راجع بهمان توضیح يك توضیح ثانوی عرضه بدارم و آن این است که چون دومرتبه فرمودند جداً و قویاً تکذیب میکنم بنده عرض میکنم وقتی اسناد محاسبه را ارائه دادند و ثابت شد بنده آنوقت در جداً و قویاً با ایشان موافقت میکنم و تصدیق می کنم اما حالا نمیتوانم موافقت کنم و همچنین مطلبی را که آقایان مسکوت عنه گذاشته اند بنده هم مسکوت عنه میگذازم ولی مسترد نمیدارم تا راه حلی پیدا شود چون بهیچوجه هیچیک از کلاه مقصودی و منظوری غیر از حفظ حیثیات مجلس ندارند و بدون استثناء خودشان را علاقه مند به مجلس شورای ملی میدانند و البته در این موضوع حاضر هستند که مثل سایر مطالب ملی شخص خودشان را فدای عموم بکنند . بنابراین همانطوریکه شاهزاده نصرت الدوله اطلاع ندارند گمان میکنم هنوز يك وجه حلی در نظر گرفته نشده فقط گفته شده است این کار را می کنند که يك فرصتی پیدا شود شاید بعد از تبادل افکار در خارج يك راه حلی برای این امر پیدا کنند و شاید هیچیک از ماها لجاجت و غرض شخصی نسبت بیکدیگر نداشته باشیم .

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردار معظم - بنده نسبت بتوضیح ثانوی شاهزاده سلیمان میرزا توضیح الثانی داشتم و آن این است که راجع به محاسبه که مذاکره اش در بین بود و شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند (جداً و قویاً) حالا از شاهزاده نصرت الدوله نمی پذیرند بنده عرض میکنم ماجداً و قویاً را از شاهزاده نصرت الدوله حالا می پذیریم مگر اینکه در عمل خلاف آن واقع شود (گفته شد صحیح است)

رئیس - بدیهی است این کاریکه دوسه روز است ازهان آقایان نمایندگان و اغلب مردم را بخودش معطوف کرده است اگر بيك ترتیب خوشی بتوانند اصلاح کنند و يك راه حلی برای آن تهیه نمایند چه از نقطه نظر صلاح مملکت و چه از نقطه نظر مجلس بهتر خواهد بود ولی يك مسئله دیگر هم هست که شاید بعضی از آقایان متوجه نیست و باید نسبت بآنهم توجهی

بفرمایند چون بعضی از آقایان و کلاه نزد بنده آمده و تقاضا میکردند که پیشنهادی بمجلس بدهند و بنده اینجا قرائت کنم و او این بود که آقای مدرس و آقای سلیمان میرزا در ضمن نطقی که فرمودند یاراً نسبتها بعضی از آقایان و کلاه دادند باین مناسبت میخواستند تقاضا کنند که کمیسیون برای توضیح آن نسبتها معین شود بنده آنقدریکه بنظر می رسد و خیال کرده بودم این بود که سوء تفاهاتی برای آقایان حاصل شده است باین جهت با ایشان گفتم بکفدری منتظر بشوند تا بنده خودم يك تحقیقات مقدماتی بکنم اگر تحقیقات بنده مؤثر نشد آنوقت تقاضای همچو کمیسیون بنمایند امیدوارم تا وقتیکه مسئله اول راحل می کنید مسئله ثانوی را هم موفق بجلش شده باشید

مدرس - اجازه میفرمایید

رئیس - غرض من این است که مطلع شوید نسبتها چه بوده ؟

مدرس - غرض عرض من این است که بنده نسبت بدی نداده ام اگر نسبت بدی هم داده شده بنده نداده ام .

رئیس - این يك چیزی است که در خارج استفسار میفرمایید اگر توانستید که آقایان را متقاعد بکنید و معلوم شد سوء تفاهم بوده است آنها والا آنوقت مجبور میشوم بتوضیح ثانوی مشغول شوم

مدرس - اجازه میفرمایید توضیحی عرض کنم بنده عرض میکنم که اگر میگویم يك هفت هشت یاده نفر در این مجلس هستند و خیلی اشخاص خوبی هستند آیا محتاج بکمیسیون است بنده هرگز نسبت بدی بکسی نمیدهم و خیلی صاف و پاکیزه عرض می کنم بنده بیکمندی را شرمدم که آنها شریک در يك کاری بودند و آن کار در نظر آنها نیکه کرده اند می شود خوب باشد و در نظر دیگران بد باشد یا مقصر باشند یا قاصر معالک بنده حاضریم که اگر نسبت خوبی هم بيك کسی بدهم بيك کمیسیون تشکیل و تحقیق شود

رئیس - آقایانیکه خواستند راه حلی برای مذاکرات این دوروزه پیدا کنند تقاضا کرده اند که جلسه بماند برای روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر که این دوسه روزه را فرصت برای مذاکرات داشته باشند اگر مخالفتی نباشد جلسه را میگذاریم برای روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر (اظهاری نشد) پس جلسه آتی روز شنبه خواهد بود (مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك

صورت مشروح مجلس یوم شنبه غره ذی حجه ۱۳۳۹ مطابق ۱۴ - اسد ۱۳۰۰

مجلس تقریباً یکساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

نایب رئیس - صورت مجلس قرائت می شود -

آقای مستشار السلطنه صورت مجلس را قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای طباطبائی در صورت مجلس فرمایشی دارید؟